**جلسه 113-224**

**دو‌شنبه – 24/02/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

مسأله 15:‌ هل اللازم ان یکون ساتریته فی جمیع الاحوال حاصلا من اول الصلاة الی آخرها او یکفی الستر بالنسبة الی کل حالة عند تحققها مثلا اذا کان ثوبه یستر حال القیام لا حال الرکوع فهل تبطل الصلاة فیه و ان کان فی حال الرکوع یجعله علی وجه یکون ساترا او یستتر عنده بساتر آخر او لاتبطل وجهان اقواهما الثانی و الاحوط الاول.

صاحب عروه در این مسأله فرموده که اول نماز گاهی انسان ساترش به نحوی است که تا زمان قیام ساتر هست، ‌به رکوع که می‌‌رود دیگر ساتر نیست یا به سجود که می‌‌رود دیگر ساتر نیست، بحث است که آیا شرط در نماز این است که از اول نماز ساترش به نحوی باشد که برای کل نماز همین کافی است یا نه، فعلا در حال قیام این ساتر است؟ لباس زیرش پاره شده، در حال قیام پاهایش فشرده است بهم، آن پارگی دیده نمی‌شود ولی اگر برود سجده یا رکوع نه، دیده می‌‌شود آیا باید از اول نماز جوری ساتر بپوشد که برای تا آخر نماز کافی باشد یا همین کافی است که این لباس پاره را بپوشد، وقتی می‌‌رود به رکوع آنجا فکر ساتر در حال رکوع را بکند مثلا یک پارچه‌ای در حال رکوع با خودش ببرد یا به نحوی این لباس را در حال رکوع تنظیم کند مثلا در حال رکوع با دستش آن پارگی را جمع کند.

صاحب عروه فرمود احوط همینی است که از اول نماز به فکر باشد و جوری ساتر را تنظیم کند که تا آخر نماز کافی باشد و لکن اقوی این است که نه‌، هر زمانی ساتر آن زمان را رعایت کند؛ تا قائم است در حال قیام است، می‌‌بیند همین مقدار از ساتر کافی است، ‌وقتی به رکوع می‌‌رود می‌‌بیند که این پارگی لباسش موجب انکشاف بعضی از عورت می‌‌شود، آنجا یا یک پارچه‌ای دور خودش می‌‌پیچد یا با دستانش آن پارگی را می‌‌گیرد.

[سؤال: ... جواب:] قبل از این‌که به رکوع برود آن پارگی را با دستانش می‌‌گیرد یا به نحوی جمع می‌‌کند که دیگر در حال رکوع عورتش منکشف نشود.

صاحب عروه می‌‌گوید ستر فی جمیع احوال الصلاة مراعات شده و لو اگر در اثناء نماز علاج نمی‌کرد آن ساتر اول بدرد ستر در حال رکوع و سجود نمی‌خورد. خب همین کافی است.

که انصافا مطلب درستی هم هست. چون اطلاقات بیش از این اقتضاء نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] وجه احتیاط این است که گفته‌اند در روایات دارد که یصلی فی قمیص واحد قال اذا کان کثیفا فلابأس و لابأس للمرأة ان تصلی فی درع و خمار، ‌خب این قمیص، درع و خمار از اول ساتر نسبت به جمیع احوال نماز هست. و لذا بعضی‌ها احتیاط کردند. اما جواب این است که از این روایات بیش از این استفاده نمی‌شود که خواستند یک کاری بکنند در حال رکوع هم یک وقت عورت منکشف نشود. حالا اگر این آقا لنگش را جوری بسته که در حال قیام چیزی دیده نمی‌شود اما اگر با همین وضع برود به سجود بخاطر شرائط فیزیکی که بدنش پیدا می‌‌کند بعض عورتش بیرون می‌‌زند، می‌‌گوید در حال سجود فکری می‌‌کنم، ‌حالا یا این لنگ را جوری می‌‌بندم که بیشتر ستر کند بدنم را یا از یک پارچه‌ای استفاده می‌‌کنم و هکذا. اشکالی ندارد.

فلو کان ثوبه مخرقا، اگر لباسش پاره است بحیث تنکشف عورته فی بعض الاحوال، به حیث که عورتش در حال رکوع یا در حال سجود منکشف می‌‌شود لم یضر، مشکلی نیست. در حال قیام که مشکلی ندارد، ‌هنگامی هم که می‌‌خواهد رکوع بکند یا سجود بکند، ‌سد می‌‌کند آن پارگی را بجمعه، یا با این‌که با دستش جمع کند آن پارگی را، به هم بفشارد که دیگر چیزی دیده نشود او بنحو الآخر او بیده علی اشکال فی الستر بها.

صاحب عروه در آخر این مطلب فرموده ممکن است کسی بگوید من در حال رکوع آن قسمت پارگی را دست می‌‌گذارم که آن سوراخ با دستم پوشیده بشود، این هم اشکال ندارد ولی خلاف احتیاط مستحب هست.

دقت کنید! وقتی می‌‌گویند لم یضر علی اشکال یعنی لم یضر، ‌علی اشکال یعنی احتیاط مستحب. این را خوب دقت کنید. گاهی در رساله می‌‌نویسند که فی جوازه اشکال، ‌این می‌‌شود احتیاط واجب، گاهی می‌‌نویسند یجوز علی اشکال این می‌‌شود احتیاط مستحب. یجوز، فتوی داد به جواز، گفت علی اشکال یعنی و لو احتیاط مستحب ترک آن است.

[سؤال: ... جواب:] اما گفت یجوز نگفت فی جوازه اشکال، گفت یجوز علی اشکال.

یجب علی اشکال یعنی فتوی به وجوب است. علی اشکال چیست؟ علی اشکال یعنی و لو من فتوی به وجوب می‌‌دهم اما بالاخره این فرق می‌‌کند با این‌که بگویم یجب بلااشکال. از نظر عوام و مقلدین تفاوتی ندارد، یجب با یجب علی اشکال هر دو فتوی به وجوب است. طلابی که دنبال نکات بحث هستند با آن یجب علی اشکال اینجا یک اشکالی هست باید بروند جواب پیدا کنند برای آن. یجوز با یجوز علی اشکال هر دو فتوی به جواز است ولی یجوز علی اشکال برای این است که اول احتیاط مستحب در ترک است و ثانیا طلاب محصل بدانند یک منشئی اینجا هست که بروند جواب آن را پیدا کنند. اینجا هم دارد که لم یضر علی اشکال یعنی احتیاط مستحب این است که اکتفاء به ستر بالید نکنند و لکن فتوی این است که لم یضر.

انصافا مشکل است فتوی به این بدهیم که لم یضر. چون اگر بناء بود با دست پوشاندن بعض عورت کافی باشد اصلا برای چی لباس می‌‌پوشد. یک کسی ما شاء الله دست خیلی بزرگی دارد، در حال نماز با دو دستانش می‌‌تواند کل عورتش را بپوشاند، این کافی است؟ کافی نیست که؛ روایات می‌‌گفت کافی نیست، یصلی فی قمیص، یصلی فی ثوب، یصلی فی ازار، قریب به این مضمون. و لذا حالا که بخشی از این ساتر عورت سوراخ شده دست بگذارد کافی نیست. اگر جمع بکند به جوری که وقتی جمع می‌‌کند آنی که ساتر این عورت است لباسش است منتها جمعش می‌‌کند تا آن پارگی باز نشود، او عیب ندارد. اما وقتی پارگی باز است، دست می‌‌گذارد روی پارگی، انصراف دارد یصلی فی قمیص از این‌که ساتر عورتش دستش باشد.

[سؤال: ... جواب:] یک لحظه نیست، کل نماز ممکن است همین‌جوری باشد. وقتی می‌‌بیند که سوراخ است و دیده می‌‌شود، از اول نماز تا آخر نماز، خلاصه یک دستش قنوت هم که به جا می‌‌آورد با یک دست قنوت بجا می‌‌آورد یک دست دیگرش هم روی اسافل اعضائش است که آن پارگی لباسش نشان ندهد، خب این خلاف متفاهم عرفی است. ... یا در بعض احوال؛ فرق نمی‌کند. در حال رکوع منکشف می‌‌شود، یک وقت جمع می‌‌کند آن پارچه را، خوب است، یک وقت نه، دست می‌‌گذارد، ظاهر آن روایت این است که با قمیص ستر کند یعنی با ساتر خارجی ستر کند نه با بعض جسدش.

حالا اگر شک بکنیم در این‌که آیا ستر العورة در او معتبر است که از اول نماز جوری ساتر باشد که تا آخر نماز همین ساتر کافی است یا نه، می‌‌تواند و جایز هست در حال قیام ساتر در حال قیام داشته باشد و لو این مقدار از ساتر در حال رکوع و سجود کافی نیست؟ و لکن وقتی به رکوع می‌‌خواهد برود فکر آنجا را هم می‌‌کند و لو یک پارچه‌ای روی خودش بیندازد، شک بکنیم در حکم شرعی برائت جاری می‌‌کنیم از شرطیت زایده که حتما باید از اول جوری ساترت را تنظیم کنی که تا آخر نمازت مشکل پیدا نکنی، این تقیید زاید است دیگه، برائت دارد.

مسأله 16: الستر الواجب فی نفسه من حیث حرمة النظر یحصل بکل ما یمنع من النظر.

صاحب عروه در این مسأله می‌‌گوید که ستر صلاتی با ستر غیر صلاتی فرق می‌‌کند. ستر غیر صلاتی از اجانب با هر چیزی که مانع از نظر اجنبی بشود محقق می‌‌شود و لو تاریکی شب و لو رفتن در آب. در آب که می‌‌رود آبش هم زلال نیست، آب تیره است و چیزی از او دیده نمی‌شود، اشکال ندارد. یحصل بکل ما یمنع عن النظر و لو کان بیده او یده زوجته او امته کما انه یکفی ستر الدبر بالالیتین. این ستر غیر صلاتی است. و اما الستر الصلاتی فلایکفی فیه ذلک و لو حال الاضطرار. در حال اضطرار هم نمی‌تواند با دست خودش عورتش را مستور کند و بگوید من دیگر نمازم نماز عاریا نیست، نخیر، اگر لباس نداری بخواهی با دستانت ستر کنی عورت را وظیفه‌ات نماز عاریا هست که با ایماء رکوع و سجود می‌‌کنی.

بل لایجزی الستر بالطلی بالطین ایضا حال الاختیار نعم یجزی حال الاضطرار علی الاقوی. حتی با گل و گچ و مانند آن بخواهد عورتش را بپوشاند در حال اختیار جایز نیست، در حال اضطرار جایز است.

امام قدس سره فرمودند در حال اضطرار هم کافی نیست ستر بالطین. یعنی اگر لباس نداری می‌‌خواهی با گل یا گچ و مانند آن عورت را بپوشانی وظیفه‌ات نماز ایمائی است نه نماز با رکوع و سجود. اما صاحب عروه می‌‌گویند نه، درست است در حال اختیار کافی نیست ستر بالطین ولی در حال اضطرار ستر بالطین کافی است و وظیفه‌ات را نماز با رکوع و سجود اختیاری می‌‌کند.

و اما الستر بالورق و الحشیش فالاقوی جوازه حتی حال الاختیار.

صاحب عروه می‌‌گوید اما ستر به گیاه و برگ درختان در حال اختیار هم جایز هست. و لو لباس داری اما هوس کردی مانند انسان‌های اولیه نماز بخوانی، بریم ببینیم چه مزه‌ای در این جور نماز خواندن هست، چهار برگ درخت را می‌‌کنی به هم وصل می‌‌کنی، نماز می‌‌خوانی. حضرت آدم و حوا من ورق الجنة ستر کردند سؤآتهما را، شما من ورق الدنیا ستر می‌‌کنی سؤآتت را نماز می‌‌خوانی اشکال ندارد، لباس می‌‌توانی بپوشی لازم نیست.

و کذا یجزی مثل القطن و الصوف غیر الممزوجین.

صاحب عروه می‌‌گوید در حال اختیار لازم نیست لباس بپوشی، یک مشت پنبه، پنبه‌زن آمده خانه‌تان، تشکت‌تان را باز کرده پنبه‌ها را زده، شما برداشتی یک مشت از این پنبه‌ها را چسب زدی و چسباندی به قبل و دبر خودت، ایشان می‌‌گوید در حال اختیار کافی است.

صاحب عروه پس نظرش متوسط شد. گفت طلی بالطین در حال اضطرار مجزی است یعنی این نماز را در حال اضطرار می‌‌تواند یعنی در حال فقد ثوب و امثال آن می‌‌تواند نماز را با طلی بالطین او الجص نماز اختیاری بخواند یعنی با رکوع و سجود اختیاری. و لو احتیاط مستحب این است که دو نماز بخواند. این شخصی که طلی بالطین می‌‌کند لباس ندارد، کلی کاه گل آنجا هست می‌‌خواند پشت بام را کاه گل کنند یک مشت کاه گل بر می‌‌دارد پشتش می‌‌چسباند.

[سؤال: ... جواب:] حجم مهم نیست؛ مهم این است که مستور می‌‌شود قبل و دبرش.

صاحب عروه می‌‌گوید به نظر ما اگر لباس نداری بسم الله یک مشت گلی، گچی امثال آن به خودت بمال، به قبل و دبر، بعد نماز با رکوع و سجود اختیاری بخوان و لو احتیاط مستحب این است که یک نماز دیگر هم ایمائی بخوانی. شبهه این است که شد مصداق من صلی عاریا یصلی مومیا الی الرکوع و السجود باشد. امام که فرمودند که همین که صاحب عروه احتیاط مستحب کرد من فتوی می‌‌دهم؛ باید و لو گل هم بمالد، گچ هم بمالد همین نماز با ایماء به رکوع و سجود بخواند اگر لباس پیدا نمی‌کند.

پس صاحب عروه یک نظر متوسطی قائل شد در مقابل، نظر امام که سخت بود: طلی بالطین در حال اضطرار هم فرمود مجزی نیست و یک نظر دیگر که نظر برخی مثل مرحوم آقای خوئی هست که فرمودند طلی بالطین اگر ممکن باشد یا طلی بالجص و یا ستر به گیاه در حال اختیار مجزی نیست و همین‌طور ستر به پشم و پنبه دوخته نشده که صدق ثوب بر آن نمی‌کند، آقای خوئی فرموده در حال اختیار مجزی نیست، اگر لباس می‌‌توانی بپوشی حق نداری که پنبه بافته نشده بچسبانی ولی در حال اضطرار هر ساتری و لو طین و لو پنبه بافته نشده و لو گیاه مجزی است و نوبت به نماز ایمائی نمی‌رسد. اما در حال اختیار نه، اگر ثوب داری ستر به حشیش و طلی بالطین و امثال آن کافی نیست.

[سؤال: ... جواب:] در حال اضطرار ستر بالید کافی نیست، ستر به ساتر خارجی مثل طین، جص. ... فرقش این است که روایاتی که می‌‌گوید ان لم یجد ثوبا یصلی فیه فان اصاب حشیشا یستر به عورته و الا صلی عریانا مومیا. سه مرحله کرد، گفت اگر لباس داری در لباس نماز بخوان، لباس نداری گیاه پیدا کردی با گیاه. گیاه هم خصوصیت ندارد؛ هر چیزی که ساتر است و لو مصداق ثوب نباشد. اگر گیاه و مانند آن پیدا نکردی صلی عاریا مومیا، اطلاق دارد و لو با دستت بتوانی ستر کنی. ... این‌که نمی‌شود از این روایات استفاده کنیم ستر بالید هم کافی است؛ خلاف ظاهر این روایات است که می‌‌گوید که صلی فی قمیص، ان اصاب حشیشا صلی فیه.

[سؤال: ... جواب:] با ید کافی نیست یعنی باید نماز ایمائی بخوانی. ... با فخذ هم پوشیده بشود باید نماز ایمائی بخوانی. ... آقا! با دست می‌‌توانی ایستاده بخوان لازم هم نیست ستر کنی بالید چون اجنبی نیست. مهم این است که نمازت ایمائی است.

مرحوم آسید ابوالهادی شیرازی و آشیخ محمد جواهری گفتند آقا! در حال اختیار هر ساتری مثل طلی بالطین، ستر بالحشیش مجزی است اما ستر بالید را، این‌ها هم گفتند مجزی نیست چون خلاف ظاهر روایات است.

حالا ببینیم دلیل این آقایان‌ که می‌‌گویند در حال اختیار ستر بالثوب لازم هست مثل آقای خوئی، آقای داماد، این‌ها ببینیم چی می‌‌گویند، دلیل این‌ها را بررسی کنیم. آقای خوئی و آقای داماد فرمایش‌شان این است: در حال اختیار طلی بالطین، ستر بالحشیش جایز نیست، فقط ثوب. پنبه بافته نشده می‌‌چسباند مجزی نیست، خب لباس دارد برود لباس بپوشد. یک تکه کاغذ می‌‌چسباند با چسب رازی دور رانش چسب می‌‌زند یک روزنامه جلویش می‌‌چسباند یک روزنامه هم پشتش. می‌‌گویند اینجا مگه روزنامه فروشی است؟ این‌که ثوب نیست. دلیلش‌شان چیه؟

آقای خوئی فرموده ما این روایات را که بررسی می‌‌کنیم می‌‌گوید یصلی فی قمیص، یصلی فی ثوب. بله، در روایتی داشت که اگر ثوب نداشت، ان اصاب حشیشا یستر به عورته صلی فیه و الا صلی عریانا مومیا. می‌‌فهمیم که در حال اختیار صلات باید فی الثوب باشد. در حال اضطرار اگر با حشیش و مانند آن حتی گچ می‌‌تواند ستر عورت کند او مقدم است بر نماز ایمائی. آقای خوئی فرموده این‌که روزنامه می‌‌چسباند به خودش عرفا عاری است دیگه. عاری یعنی چی؟ عاری یعنی لابس ثوب نیست. لخت است نه این‌که منکشف العورة است؛ یعنی لباس ندارد.

[سؤال: ... جواب:] لباس کاغذی یعنی واقعا به شکل لباس در بیاوری. ... لنگ را می‌‌بندی به هم. بله، اگه این کاغذ‌های دیواری را اگر مثل لنگ از آن استفاده کنی عیب ندارد؛ کاغذی است. اما ما مثال زدیم که با چسب دور رانش را چسب می‌‌زند، چسب رازی، روزنامه را می‌‌چسباند به خودش، بعد هم یک روزنامه را هم چسب می‌‌زند، عضوش را می‌‌برد می‌‌چسباند. این عرفا عاری است، لابس ثوب نیست.

آقای خوئی فرمودند که روایت که از ابی البختری هست، مؤید همین حرف ما است، می‌‌گوید من غرقت ثیابه فلاینبغی له ان یصلی حتی یخاف ذهاب الوقت فان لم یجد صلی عریانا جالسا. اگر کسی لباس هایش افتاده در دریا باید تا ضیق وقت نشده نماز نخواند برود دنبال لباس بگردد. چرا؟ چرا برود دنبال لباس؟ اگر با همان گیاه‌های اطراف دریا می‌‌شود خودش را انسان بپوشاند اختیارا، چرا باید دنبال لباس بگردد؟

[سؤال: ... جواب:] اطلاق که دارد. گاهی هم هست. اطراف رود کارون داشت شنا می‌‌کرد لباس هایش افتاد غرق شد. خب این همه گیاه هست اطراف رود کارون، اطراف رود دجله و فرات این قدر گیاه است، آن هم برگ‌های درشت دارد، چند تا برگش را به خودش بچسباند برای هفت نسلش هم بس است. ... روایت می‌‌گوید من غرقت ثیابه فلاینبغی له ان یصلی حتی یخاف ذهاب الوقت.

به نظر ما این روایت غیر از ضعف سند بخاطر ابی البختری که وهب بن وهب است و افسق البریة است، دلالتش هم بر فرمایش آقای خوئی ناتمام است. چون دارد فان لم یجد صلی عریانا جالسا، این ظاهرش این است که یا نماز در ثوب باشد یا نماز عریانا جالسا یعنی مومیا با ایماء. این متعارف این است که چیز دیگری نبوده برای ستر. آخه با گل، مگر یک چسبی به آن بچسباند، و الا با گل [نمی شود] چرا با گلی که با آن می‌‌روند تنور درست می‌‌کنند با آن گل‌ها ممکن است اما گل‌های معمولی می‌‌افتد. حتی گچ هم به خودش بزند گچ هم از او می‌‌افتد.

[سؤال: ... جواب:] صلی عریانا جالسا یعنی مومیا. ... آن نشسته نماز خواندن بخاطر این‌که ناظر اجنبی ممکن است باشد و الا اگر ناظر اجنبی نبود روایت می‌‌گوید صلی قائما مومیا.

مرحوم آقای داماد ایشان هم مثل آقای خوئی است. فرموده که آقا! چرا صاحب عروه گفته که در حال اختیار پوشاندن عورت با گیاه کافی است؟ صحیحه علی بن جعفر می‌‌گوید که الرجل غرق متاعه فبقی عریانا و حضرت الصلاة کیف یصلی؟ امام فرمود ان اصاب حشیشا یستر به عورته اتم صلاته بالرکوع و السجود و ان لم یصب شیئا یستر به عورته أومأ و هو قائم. آقای داماد فرمودند ببینید! مغروس در ذهن علی بن جعفر این بود که تا مادامی که ثوب دارد باید در ثوب نماز بخواند، امام هم تایید کرد این ارتکاز علی بن جعفر را که اگر ثوب دارد با ثوب نماز بخواند، اگر ثوب ندارد بعد نوبت می‌‌رسد به ستر به گیاه.

فرموده مؤید این مطلب ما صحیحه صفوان هم هست. دارد که دو تا ثوب است یکیان نجس شده اجمالا، حضرت فرموده یصلی فیهما جمیعا. یک نماز در این لباس بخواند، باز اعاده کند نمازش را در لباس دوم. اگر می‌‌شود با گیاه آدم خودش را بپوشاند چرا زحمت اعاده نماز را بکشد؟ یک مقدار گیاه بر می‌‌دارد از آن بیابان می‌‌چسباند به خودش نماز می‌‌خواند.

انصافا این فرمایش هم ناتمام است. ظاهر این صحیحه صفوان این است که راه دیگری ندارد برای نماز با ستر عورت. فرض کرده که مشکل این آقا علم اجمالی به نجس بودن احد الثوبین است، از این حیث خواسته مشکل حل بشود نه این‌که فرض کرده یک ساتر غیر ثوبی هست برود سراغ آن یا نرود. عرف این‌جور می‌‌فهمد از این روایت. یا همان صحیحه علی بن جعفر که دارد که ثوبی ندارد که در او نماز بخواند آن لباس هایش غرق شده، امام فرمود ان اصاب حشیشا یستر به عورته اتم الصلاة. در ذهن علی بن جعفر این است که چیزی ندارد ستر عورت کند، امام اول راه نشان می‌‌دهند، می‌‌فرمایند که اگر گیاه باشد با گیاه ستر عورت بک کافی است. چون افراد نوعا غافل هستند؛ فکر می‌‌کنند فقط با لباس آدم ستر می‌‌کند خودش را. بحث شرعی نیست، بحث این است که اصلا التفات ندارند. مثلا یک زنی می‌‌گوید آقا! من چادر ندارم، ناگهان برادرشوهرم می‌آید در اتاق، اینجا به او می‌‌گوییم اگر روزنامه هست روزنامه بکش روی سرت، برای این‌که او توجه ندارد به این جزئیات که روزنامه‌ای ممکن باشد با روزنامه آدم بتواند ستر رأس بکند، راه نشانش می‌‌دهی، بیش از این روایت ظهور ندارد.

و واقعا اگر بشود با گیاه و مانند آن انسان خودش را ستر بکند ظهور عرفی ندارد این روایت که حتما باید ثوب باشد. و حتی بشود با گل انسان خودش را ستر بکند، ظهور ندارد این روایت در این‌که ستر به گل اختیارا جایز نیست.

و عجیب این است که امام فرمود با گل ستر کن باز باید نماز ایمائی بخوانی چون روایت که نگفته نماز اختیاری بخوان. ان اصاب حشیشا یستر به عورته و الا صلی جالسا.

آقا! ظهور عرفی حشیش مثال است برای مطلق ساتر خارجی است؛ چه خصوصیت دارد حشیش؟ حالا گل باشد، گچ باشد. در خود روایات می‌‌گفت رکوع و سجود نکنید چون وقتی رکوع می‌‌کنید یبدو ما خلفه، آن وقت آمده دو کیلو گل به پشتش چسباند، سه کیلو گچ به پشتش چسبانده، خب این‌که نمی‌گوید که اگر رکوع است یبدو ما خلفه. چه اشکالی دارد؟

بله، یک مطلبی هست این را هم بگویم:

این مطالب راجع به مرد است که می‌‌خواهد ستر عورت بکند. اما اگر زنی است چادر ندارد، روسری ندارد، لازم است روزنامه بکشد روی سرش نماز بخواند؟ نه، چه لزومی دارد؟ روایت می‌‌گوید که ان حاضت فعلیها الخمار الا الاتجده. زن بالغه باید با خمار نماز بخواند. بعضی از روایات دارد ملحفه یا خمار. حالا ملحفه هم لحاف‌های نازک بود دیگه، پرده، اما این‌که بیاید برگ‌های درخت باغ‌شان را بکشد روی سرش، روزنامه بکشد روی سرش، نه، از روایات استفاده می‌‌شود که ان لاتجده، اگر خمار ندارد تصلی بغیر خمار.

[سؤال: ... جواب:] روایت می‌‌گوید المرأة ان حاضت تصلی بخمار الا الاتجده، مگر این‌که خمار پیدا نکند. شما به چه دلیل می‌‌گویید لازم است این زن حالا که خمار و چادر ندارد پارچه‌ای نیست، فقط یک روزنامه است این روزنامه را به سرش بکشد، حالا اگر هم نمی‌تواند نگه دارد چسب رازی بزند بچسباند به سرش، به چه دلیل لازم است؟ ... ما احتمال فرق می‌‌دهیم. بابا! او عورت است. موی سر بانوان محترم را کردید به حکم عورت مردها؟

و لذا به نظر ما در مورد عورت هر ساتر خارجی مجزی است. به قول مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی و آشیخ محمد جواهری. هر ساتر خارجی مجزی است و لو در حال اختیار، و لو ثوب دارد. و اگر ثوب نداشت، ساتر دیگری داشت، متعین است ساتر دیگر اگر به حرج نمی‌افتد، حالا گیاه باشد، گل باشد، گچ باشد، روزنامه باشد، شب نامه باشد. اما زن برای ستر غیر عورتش نه. بابا! اگر بخواهد غیر عورتش را ستر کند باید ده صفحه روزنامه را بچسباند به بدنش، حتی اگر سرش هم باز باشد می‌‌گوید تصلی بخمار الا الاتجده، خب این زن می‌‌گوید لااجد الخمار. لااجد ثوبی لان استر به رأسی. خب نماز می‌‌خواند با موی باز. بله اگر نامحرم باشد از پوشاندن از نامحرم او به هر ساتری متعین است و لو روزنامه بکشد به سرش. این بحث دیگری است.

این بحث تمام شد. کلام واقع می‌‌شود در احکام لباس مصلی. ان‌شاءالله روز ششم شهریور سه شنبه قبل از روز عید غدیر.

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.